

بلا و الحاد

تاليف:

الشيخ ابوبصير الطرطوسى (حفظه الله)

ترجمه: كانال يقين



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و بعد:

بعضی از مسلمانان چنانچه دچار اندکی سختی و تنگدستی یا فقر یا مرض شوند اعتراض نموده و می‌گویند: چرا این بلا بر من نازل شده است؟ چرا من فقیر هستم؟ چرا مریض هستم؟ چرا دچار این بلا و آن بلا شدم؟ مرتکب چه گناهی شده‌ام که این بلا یا سرم می‌آید در حالی که من مسلمانی نمازگزار و موحد هستم؛ در حالیکه فلان و فلان کافر را می‌بینی که در صحت و سلامت و ثروت فراوان بسر می‌برد، سختی و مشقتی را که من در آن هستم اصلاً نمی‌شناسد. پس اگر خداوند ایمان و مومنان را دوست دارد و از کفر و کافران بیزار است پس چرا اهل ایمان دچار فقر و سختی می‌شوند در حالیکه اهل کفر و الحاد در خوشی و نعمت‌های فراوان بسر می‌برند؟!

سپس سوء ظن او نسبت به الله تعالی بیشتر می شود و شیطان مسائل و سوالاتی را برایش ایجاد می کند، تا جایی که به شک در وجود خداوند و کفر و الحاد می رسد، مخصوصا اگر فاقد وجاهت علمی باشد که توانایی پاسخ گویی آن وسوسه ها و سوالات را داشته باشد! و ما در این مقاله می کوشیم - بعون الله و توفیقه - که آن مسائل را از خلال نکات زیر پاسخ دهیم؛ امید است که - باذن الله - سبب هدایت کسی گردد که راه را گم کرده و گمان های اشتباه او را در بر گرفته است. و خداوند متعال هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می کند.

(۱) مسلمان و کافر، مومن و ملحد، همگی باید بدانند که دنیا دارالقرار و سرای همیشگی و جایگاه جزاء و پاداش نیست، بلکه فقط سرای عمل و آزمایش و بلا و در وقت معین فنا و نابودیست. کالای آن بلا است. خداوند متعال بندگانش را با سختی و آسانی، خوشی و ناخوشی آزمایش می کند. خداوند آنان را گاهی با خوشی، گاهی با ناخوشی و گاهی با هر دوی اینها با هم

می‌آزماید؛ تا ببیند که چه می‌کنند و چگونه رفتار می‌کنند. آیا شکرگزار بوده و صبر می‌کنند یا راه کفر و ناشکیبایی و الحاد در پیش می‌گیرند. سپس هنگامی که روز قیامت برانگیخته شده و می‌آیند، هر انسانی جزای عملی را که انجام داده (خیر یا شر) می‌بیند: **{فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ}**^۱

پس هرکس به اندازه ذره غباری کار نیکو کرده باشد، آن را خواهد دید (و پاداشش را خواهد گرفت). و هرکس به اندازه ذره غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش را خواهد چشید) « و خداوند متعال می‌فرماید: **{وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ**

سَوْفَ يُرَى. ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى}^۲

^۱ الزلزله ۷-۸

^۲ النجم ۳۹-۴۱

« و برای انسان پاداش و بهره‌ای نیست جز آنچه خود کرده است و برای آن تلاش نموده است. و قطعاً سعی و کوشش او دیده خواهد شد. سپس (در برابر کارش) سزا و جزای کافی داده می‌شود.»

زندگی دنیا اینگونه است، و خالق و مالک آن و آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست اینگونه خواسته است **{وَلِلَّهِ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ}**^۳

« و سلطنت آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، متعلق به خدا است (و همه چیز از آن او است) و برگشت (همگان) به سوی او است»

رضایت و صبر و شکر شما با نارضایتی و ناشکیبایی و کفر فرقی ندارد و ناسپاسی و کفرتان چیزی از این حقیقت مطلق را تغییر نمی‌دهد و به خداوند متعال ضرری نمی‌رساند و فقط بر زیان و خسارت شما در دنیا و آخرت می‌افزاید. دلایل عقلی و نقلی زیادی

^۳ مائده ۱۸

بر این حقیقت دلالت می‌کنند که فقط کوردلان به مقابله با آن می‌پردازند.

خداوند متعال می‌فرماید: **{ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ }**^۴

«همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدامتان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. او چیره و توانا، و آمرزگار و بخشاینده است»

{ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ }^۵

«خدا است که شما را جانشینان زمین گردانید، و (در استعدادهای ذاتی و مواهب آسمانی و اموال کسبی) برخی را بر برخی، درجاتی بالاتر برد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید.»

^۴ الملک ۲

^۵ الأنعام ۱۶۵

{وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لَيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ} ^٦

«اگر خدا می خواست همه شما (مردمان) را ملت واحدی می کرد و اما (خدا چنین نکرد) تا شما را در آنچه (از شرائع) به شما داده است بیازماید (و فرمانبردار یزدان و سرکش از فرمان منن جدا و معلوم شود)»

{أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ} ^٧

«آیا مردمان گمان برده اند همین که بگویند ایمان آورده ایم به حال خود رها می شوند و ایشان (با تکالیف و وظائف و رنج ها و سختی ها) آزمایش نمی گردند؟!»

{وَلَتَبْلُوَنكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ} ^٨

^٦ المائدة ٤٨

^٧ العنکبوت ٢

^٨ محمد ٣١

«ما همه شما را (با وجود آگاهی از اعمالتان) قطعاً آزمایش می‌کنیم، تا معلوم شود مجاهدان (واقعی) و صابران شما کیانند و اخبار شما را بیازمائیم (تا شما را بر اساس آن جزا دهیم)»

**{ وَتَبْلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ
وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ }^۹**

«قطعاً شما را با برخی از (امور همچون) ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم، و مژده بده به بردباران»

{ وَتَبْلُونَكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ } [۱۰]

«ما شما را با سود و زیان و بدیها و خوبیها (در زندگی دنیا) کاملاً می‌آزمائیم، و سرانجام به‌سوی ما برگردانده می‌شوید»

^۹ البقرة ۱۵۵

^{۱۰} الأنبياء ۳۵

{وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ} ۱۱

«و (همه‌ی) ایشان را به نیکی‌ها و بدی‌ها (سختی و آسانی، خوش و ناخوشی) آزمایش کردیم تا این که (پشیمان شوند و از خواب غفلت و گمراهی، به سوی کردگار و هدایت) باز گردند»

و این نکته را باید ذکر کرد که نفع شکر و صبر برای خود شخص است، چرا که او به شکر و صبر و ثمره‌های پاک آن‌ها در دنیا و آخرت نیاز دارد و خداوند متعال از بندگانش و عبادت آن‌ها بی‌نیاز است: {وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ} ۱۲

«و هر کس سپاس‌گزاری کند، به سود خویش سپاس‌گزاری می‌کند، و هر کس ناسپاسی کند (به خود زیان می‌رساند نه به خدا) چرا که خدا بی‌نیاز و ستوده است.»

۱۱ الأعراف ۱۶۸

۱۲ لقمان ۱۲

۲) سختی و ناخوشی همیشه نشانه‌ی غضب پروردگار نیست بلکه گاهی اوقات نشانه‌ی رضایت و محبت و برگزیدن و پاک شدن از گناهان است، مانند بلایی که بر انبیاء و شهدا و صدیقین و صالحان نازل می‌شود تا اجر آنان را چند برابر کند و درجات و مقامات رفیعشان را روز قیامت بالاتربرد. چنانکه در حدیثی از سعد بن ابی وقاص آمده است که: گفتم ای رسول خدا! شدیدترین بلاها و آزمایش‌ها برای چه کسانی است؟ فرمودند: « **الأنبياء ثم الأمثل فالأمثل** ، **يبتلى العبد على حسب دينه؛ فان كان في دينه صلبا اشتد بلاؤه** و **ان كان في دينه رقة ابتلى على حسب دينه...**»^{۱۳}

«پیامبران، سپس با توجه به مراتب ایمان، هر شخص به اندازه قوت دینش آزمایش می‌شود؛ پس اگر در دینش محکم و استوار باشد آزمایش و بلایش شدیدتر است و اگر ضعیف باشد به اندازه آن آزمایش می‌شود...»

۱۳ صحیح سنن ابن ماجه ۳۲۴۹

و از ابوسعید خدری روایت شده که می‌فرماید: بر پیامبر خدا -صلی
الله علیه و سلم- داخل شدم در حال که گرفتار تب و بیماری بود،
دستم را که بر روی او گذاشتم گرمایش را از روی لحاف احساس
کردم. گفتم: یا رسول الله! چقدر تب و بیماریتان شدید است! فرمود:
«أنا كذلك يضعف لنا البلاء و يضعف لنا الاجر» ما این چنین هستیم، بلا
و آزمایش و هم چنین اجر ما چند برابر است. گفتم: یا رسول الله!
شدیدترین بلاها برای چه کسانی است؟ فرمود: «انبياء» گفتم: یا
رسول الله! سپس چه کسی؟ فرمود: «ثم الصالحون؛ ان كان احدهم
ليبتلى بالفقر حتى ما يجد احدهم الا العباءة يحويها و ان كان احدهم ليفرح
بالبلاء كما يفرح احدكم بالرخاء»^{۱۴}

«سپس صالحان؛ تا جایی که یکی از آنان دچار فقر می‌شود چیزی
جز عبا ی که او را می‌پوشاند نمی‌یابد و آنان چنانکه شما با راحتی
و آسایش شادمان می‌شوید با بلا و آزمایش شادمان می‌گردند»

^{۱۴} صحیح سنن ابن ماجه ۳۲۵۰

و در روایتی دیگر از ابوسعید آمده است که بر رسول الله داخل شد درحالیکه او دچار تب و بیماری بود و جامه ی بزرگ بر روی او بود، پس دستش را بر روی جامه گذاشت، گفت: ای رسول خدا تب شما چقدر شدید است! رسول خدا فرمود: «**اَنَا كَذَلِك يَشُدُّ عَلَيْنَا الْبَلَاءُ وَ يَضَاعِفُ لَنَا الْاَجْرَ**» ما این چنین هستیم، بلا و آزمایش ما شدیدتر و اجر ما چند برابر است. سپس گفت: ای رسول خدا! شدیدترین بلاها برای چه کسانی است؟ فرمود: «**انبياء**» گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «**العلماء**» گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «**الصالحون، و كان احدهم يبتلى بالقمل حتى يقتله ، و يبتلى احدهم بالفقر حتى ما يجد الا العباءة يلبسها ، و لاحدهم كان اشد فرحا بالبلاء من احدكم بالعتاء**»^{۱۵}

«صالحان، تا جایی که یکی از آن ها به سبب ابتلا به شپش (بیماری) کشته می شود و یکی از آنان دچار فقر می شود تا جایی که چیزی جز

^{۱۵} صحیح الترغیب والترهیب ۳۴۰۳

عبای که او را می پوشانند نمی یابد، و شادمانی آنان از بلا و آزمایش بیشتر از شما در زمان عطا و آسایش است»

و پیامبر می فرماید: «ان عظیم الجزاء مع عظم البلاء، و ان الله تعالی اذا احب قوما ابتلاهم ، فمن رضی فله الرضا و من سخط فله السخط»^{۱۶}

«بزرگی پاداش با توجه به بزرگی بلا و آزمایش است، و خداوند متعال هنگامی که قومی را دوست بدارد آنان را دچار ابتلا و آزمایش می کند، پس هر کس راضی باشد خوشبختی و رضایت برای اوست و هرکس برنجد خشم و غضب برای اوست»

و می فرماید: «اذا احب الله عبدا حماه الدنيا كما يظل احدكم یحیی سقیمه الماء»^{۱۷}

«وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد او را از دنیا منع میکند چنانکه یکی از شما مریض را از نوشیدن آب منع میکند»

۱۶ صحیح سنن الترمذی ۱۹۵۴

۱۷ صحیح سنن الترمذی ۱۶۵۹

و از رسول خدا سوال شد که شدیدترین بلاها برای چه کسانی است؟ فرمود: « الأنبياء ثم الأمثل فالأمثل، يتلى الناس على قدر دينهم، فمن ثخن دينه اشتد بلاؤه و من ضعف دينه ضعف بلاؤه»^{۱۸}

«پیامبران سپس بر اساس مراتب ایمان، مردم به اندازه‌ی دینشان دچار بلا و آزمایش می شوند، پس هر کس دین و ایمانش سخت و محکم باشد بلایش شدیدتر و هر کس دینش ضعیف باشد بلایش ضعیف است»

و می فرمایند: « كما يضاعف لنا الاجر كذلك يضاعف علينا البلاء»^{۱۹}

برابر اس «چنانکه پاداش ما چند برابر است هم چنین بلای ما چند ت»

و می فرمایند: « انا معشر الانبياء يضاعف علينا البلاء»^{۲۰}

^{۱۸} صحیح الترهیب والترهیب ۳۴۰۲

^{۱۹} صحیح الجامع ۴۵۷۷

^{۲۰} صحیح الجامع ۲۲۸۸

«بلا و آزمایش بر ما گروه پیامبران چند برابر است»..

عائشه می‌فرماید^{۲۱}: بلا و آزمایش بردوام بر پیامبران نازل می‌گردد تا جایی که می‌ترسند که پیروانشان آنان را تکذیب نمایند، پس این آیه را قرائت نمود **{حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا}**^{۲۲}

« تا آنجا که پیغمبران (از ایمان آوردن کافران و پیروزی خود) ناامید گشته و گمان برده‌اند که (از سوی پیروان اندک خویش هم) تکذیب شده‌اند (و تنهای تنها مانده‌اند). در این هنگام یاری ما به سراغ ایشان آمده است (و لطف و فضل ما آنان را در برگرفته است)».

و پیامبر می‌فرماید: «ما اوذى احد ما اوذيت فى الله»^{۲۳}

«هیچ کس آنچنان که من در راه خدا اذیت شده‌ام اذیت نشده است»

^{۲۱} صحیح بخاری

^{۲۲} یوسف ۱۱۰

^{۲۳} السلسلة الصحيحة ۲۲۲۲

و در حدیث قدسی خداوند متعال به پیامبرش -علیه الصلاة و التسليم - می فرماید: «انی مبتلیک و مبتل بک»^{۲۴}

« من تو را دچار ابتلا و آزمایش می کنم و دیگران را نیز به وسیله ی تو دچار ابتلا و آزمایش می کنم»

و پیامبر خدا می فرمایند: «ان الرجل لیکون عند الله المنزلة ،فما يبلغها بعمل ، فما یزال یتلیه بما یکره حتی یبلغه ایّها»^{۲۵}

«شخصی نزد خداوند مقام و منزلتی دارد که با عمل و رفتارش به آن نمی رسد، پس بردوام خداوند او را با آنچه نمی پسندد ابتلا و آزمایش می کند تا به آن منزلت برسد.»

^{۲۴} صحیح مسلم

^{۲۵} صحیح الترغیب والترهیب ۳۴۰۸

و می فرمایند: «ان العبد اذا سبقت له من الله منزلة فلم يبلغها بعمل، ابتلاه الله في جسده او ماله او في ولده، ثم صبر على ذلك حتى يبلغه التي سبقت له من الله»^{۲۶}

«هنگامی که خداوند برای بنده‌ای جایگاه و منزلتی را مشخص نموده که با عمل خویش به آن نمی‌رسد، خداوند او را در جسم یا مال یا فرزندش ابتلا و آزمایش می‌کند، سپس بر آن صبر پیشه می‌کند تا به آن منزلتی که خداوند برایش تعیین کرده برسد»

پس کسی که هرگز دچار ابتلا و آزمایش نمی‌شود در آخرین صف و پایین ترین درجه ایمان و مومنان قرار دارد.

آری، اهداف و مقاصد دیگری برای بلا غیر از آنچه گفته شد وجود دارد، مانند بلایی که برای پاک کردن و کفاره‌ی گناهان شخص بر او نازل می‌شود، یا بلایی که برای تادیب و انتقام بر ظالمان و مجرمان نازل می‌شود، یا بلایی که برای بازگرداندن گناهکاران و متکبران و

^{۲۶} صحیح الترهیب والترهیب ۳۴۰۹

گمراهان به سوی الله و طاعت او، نازل می شود و غیره. و برای هر یک از این مقاصد و اهداف قرائنی وجود دارد که برآن دلالت می کند، و هدف ما بررسی همه اهداف و غایات بلا نیست و این موضوع جایگاه دیگری را می طلبد، و ما فقط می خواهیم این نکته را روشن سازیم که بلا همیشه مستلزم و به معنای غضب خداوند، و نفی محبت و رضایت او نیست.

(۳) خوشی و آسایش و فراوانی نعمت ها و زینت دنیا، ضرورتا مستلزم و به معنای رضایت و نفی غضب خداوند نیست، مخصوصا اگر بنده ای که به او این نعمت ها داده شده، اهل ظلم و کفر و فسق و عدم شکر باشد، در این صورت خیر و خوشی، استدراج و امهالی (مهلت دادن) برای اوست تا سرکشی و طغیان و کفرش را بیشتر کند بنابراین عذاب او بیشتر گردد، چنانکه در حدیث صحیحی از پیامبر آمده است که می فرمایند: «اذا رایت الله یعطی العبد من الدنیا علی معاصیه ما یجب فانما هو استدراج، ثم تلا {فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا

عَلَيْهِمْ أَبْوَابٌ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ

مُبْلِسُونَ} ٢٧

« زمانی که دیدی خداوند به بنده اهل معصیت، آنچه را که دوست دارد از دنیا عطا می کند، پس آن استدراج است، سپس این آیه را تلاوت نمود: هنگامی که آنان فراموش کردند آنچه را که بدان متذکر و متعظ شده بودند درهای همه چیز (از نعمتها) را به رویشان گشودیم تا آن گاه که (کاملاً در فراخی نعمت غوطه ور شدند و) بدانچه بدی شان داده شد، شاد و مسرور گشتند (و باده ثروت و قدرت ایشان را گرفت) ما به ناگاه ایشان را بگرفتیم (و به عذاب خود مبتلا کردیم) و آنان مأیوس و متحیر ماندند»

و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لِيَمْلِكُ لِلظَّالِمِ، حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَهُ لَمْ يَفْلِتْهُ. قَالَ ثُمَّ قَرَأَ: {وَكَذَلِكَ

أَخَذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ} ٢٨

«خداوند به ظالم مهلت می دهد، اما زمانی که او را گرفتار کرد رهایش نمی سازد. سپس این آیه را تلاوت نمود: عقاب پروردگار

٢٧ امام احمد و غيره ، السلسلة الصحيحة ٤١٣

٢٨ صحيح بخاري

تو این چنین است هرگاه که (بر اثر کفر و فساد، اهالی) شهرها و آبادی‌هایی را عقاب کند که ستمکار باشند. به راستی عقاب خدا دردناک و سخت است.»

و خداوند می‌فرماید: **{وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً جَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنْ فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ. وَلِيُؤْتِيَهُمْ آبُوبًا وَسُرْرًا عَلَيْهَا يُتَّكِنُونَ. وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ}**^{۲۹}

« اگر (بهره‌مند شدن کفار از انواع مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم (تمایل به کفر پیدا کنند و در گمراهی) ملّت واحدی گردند، ما برای کسانی که به خداوند مهربان باور نمی‌داشتند خانه‌هایی با سقف‌هایی از نقره فراهم می‌آوردیم، و برای آنان پله‌ها و نردبان‌های سیمین ترتیب می‌دادیم که از آنها بالا روند. (چرا که نعمت چندروزه حیات بی‌ارزش است و در مقابل نعمت جاویدان

^{۲۹} الزخرف ۳۳-۳۵

آخرت چیزی به حساب نمی آید). و برای خانه‌هایشان درهائی فراهم می‌آوردیم، و تخت‌هائی نقره‌ای که بر آنها تکیه می‌زنند و می‌لمند ترتیب می‌دادیم.

و زر و زیور و انواع وسائل تجملی و زینت‌آلات بدی‌شان می‌دادیم. اما همه این‌ها متاع زندگی این جهانی است، و آخرت در پیشگاه پروردگارت برای پرهیزگاران آماده است (و نعمت سرای جاویدان که از آن خداپرستان است، با نعمت جهان گذران قابل مقایسه نیست).»

ابن کثیر در تفسیر این آیات می‌فرماید: «یعنی اگر بخاطر اعتقاد بسیاری از مردم نادان که گمان می‌کنند که عطای مال نشانه‌ی محبت ماست و سپس بخاطر مال کافر می‌شدند (این مفهوم سخن ابن عباس و الحسن و قتاده و السدی و... است)، **{ جَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنْ فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ }** یعنی نردبان و پله‌های از نقره، (ابن عباس و مجاهد و قتاده و السدی و ابن زید و... را گفته‌اند)، **{ وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا }** یعنی این‌ها از نعمت‌های دنیای فانی و

زودگذر و بی ارزش نزد خداوند است، یعنی خداوند نیکی هایشان را در دنیا با این خوردنی ها و نوشیدنی ها و نعمت ها جزا میدهد و هیچ کار نیکی که باقی نمی ماند تا در آخرت جزا داده شود، **{وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ}** یعنی آخرت فقط مخصوص متقین است و لاغیر.»

و هم چنین در داستان قارون ، در قرآن کریم، عبرت و درس هایی وجو دارد. خداوند به او گنج ها و مال فراوانی عطا نمود که حمل کلیدهای خزائن و گنجبینه هایش بر تعداد زیادی از مردان قدرتمند سنگینی می کرد، تا جای که نزدیک بود افراد ضعیف الایمان دچار فتنه شوند، با این حال او اهل کفر و طغیان بود: **{إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَءَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ الْكُنُوزَ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ. وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ. قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوْ لَمْ يَعْلَمِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً**

وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ. فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ
 الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ.
 وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَن ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا
 يُلْفَأْهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ. فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ. وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ
 وَيَكَآنَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا
 لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَآنَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ} ٣٠

« قارون از قوم موسی بود و (بر اثر داشتن دارائی فراوان) بر آنان
 فخر فروشی کرد (و چون ثروتمندترین فرد بنی اسرائیل بود، از ایشان
 خواست که او را فرمانده و خویشان را فرمانبردارش بدانند). ما آن
 اندازه گنج و دفینه بدو داده بودیم که (حمل صندوقهای) خزائن آن
 بر گروه پر زور و با قدرت سنگینی می کرد (و ایشان را دچار مشکل
 می نمود). وقتی (از اوقات) قوم او بدو گفتند: (مغرورانه) شادمانی
 مکن، که خدا شادمانان (سرمست از غرور) را دوست نمی دارد. به

وسیله آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی و بهره خود را از دنیا فراموش مکن (از امتعه و لذائد حلال استفاده کن)، و همان‌گونه که خدا به تو (بخشیده است و در حق تو) نیکی کرده است، تو نیز (به دیگران ببخش و بدیشان) نیکی کن، و در زمین تباهی مجوی که خدا تباهاکاران را دوست نمی‌دارد. (قارون) گفت: این مال در سایه آگاهی و دانشی که دارم به من داده شده است. مگر ندانسته است که خداوند نسلهای (قرون و اعصار) زیادی را نابود کرده است که از او قدرت بیشتری، و در گردآوری (دارائی مهارت) زیادتری داشته‌اند. (بگذار مجرمان چون او در فسق و فجور و کبر و غرور خود فرو روند. در قیامت همه چیز عیان است و حاجت به بیان نیست، و لذا) گناهکاران از گناهانشان سؤال (تحقیق و ترحیم) نمی‌شود، (بلکه سؤال توییح و تحقیر از ایشان می‌گردد). (قارون به اندرز پندگویان وقعی ننهاد و بلکه هوس قدرت و جنون ثروت او را بر آن داشت که) با تمام زینت خود در برابر قوم خویش نمایان گردد. آنان که طالب زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش! همان

چیزهائی که به قارون داده شده است ما هم می‌داشتیم. (چه ثروت سرشاری! و چه جاه و جلالی!). واقعاً او دارای بهره بزرگ و شانس سترگ است. و کسانی که دانش و آگاهی داشتند گفتند: وای بر شما! (چه می‌گوئید و سعادت را در چه می‌جوئید؟) اجر و پاداش خدا (که بهشت جاویدان است) بسی والاتر و بهتر (از این چیزها) است برای کسانی که ایمان داشته باشند و کارهای شایسته انجام دهند و این (بهشت یزدان هم) جز نصیب شکیبایان نمی‌گردد. سپس ما او را و خانه‌اش را به زمین فرو بردیم، و گروه و دست‌های نداشت که او را در برابر خدا یاری دهند، و خود نیز نتوانست خویشان را کمک کند. آنان که دیروز آرزو می‌کردند به جای او باشند، (هنگامی که این صحنه دلخراش را دیدند) گفتند: وای! انگار خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گسترش می‌دهد و برای هر کس که بخواهد روزی را تنگ و کم می‌گرداند (و چرا ما از این واقعیت غافل بودیم که داشتن و نداشتن مادیات، وسیله آزمایش مردمان است و بس؟!). اگر خداوند بر ما منت نمی‌نهاد (

امروز همچون قارون) ما را (به دل زمین) فرو می برد. وای! انگار کافران رستگار نمی گردند (و حتماً عذاب خدا دیر یا زود گریبانگیرشان می شود).»

پیامبر -صلی الله علیه و سلم- گاهی اوقات چیزی را به مؤلفه القلوب (کسانی که چنانچه پیشوای مسلمانان صلاح بدانند از راه احسان از ایشان دلجوئی شده و محبتشان برای پذیرش اسلام و ...جلب می شود) می بخشید که به مهاجرین و انصار نمی بخشید اما دلیل بر این نیست که پیامبر آن ها را بیشتر از مهاجرین و انصار دوست دارد.

و ابوهریره می گوید: اعرابی آمد، پیامبر به او گفت: «هل اخذتک ام مِلْدَم -یعنی الحمی-؟» آیا تا بحال دچار تب شده ای؟ گفت: تب چیست؟ پیامبر فرمود: «حَرّ بین الجلد و اللحم» گرمایی بین پوست و گوشت، گفت: نه، پیامبر فرمود: «فهل صدعت؟» پس آیا دچار سردرد

شده‌ای؟ گفت: سردرد چیست؟ پیامبر فرمود: «ريح تعترض الراس تضرب

العروق» وزش و پیچش باد در سر که رگ‌ها را می‌زند، گفت: نه،

پس هنگامی که از آنجا برخاست، پیامبر گفت: «من سرّه ان ينظر الي

رجل من اهل النار» هر کس می‌خواهد به شخصی از اهل آتش بنگرد

به او نگاه کند.^{۳۱}

و می‌شود گفت: آنچه که خداوند از مال و نعمت و رفاه در دنیا به

کافر می‌بخشد پاداش کارهای نیک اوست، تا در قیامت فقط آتش

جهنم نصیب او باشد، چنانکه در حدیثی در صحیح مسلم آمده است

که پیامبر -صلی الله علیه و سلم- می‌فرمایند: «ان الله لا يظلم مومنا

حسنة يعطى بها فى الدنيا و يجزى بها فى الآخرة و اما الكافر فيطعم بحسنات ما

عمل بها لله فى الدنيا حتى اذا افضى الى الآخرة لم تكن له حسنة يجزى بها»

«یقینا خداوند متعال، در برابر هیچ کار نیکی به مؤمن ستم نمی‌کند

؛ مؤمن بهره‌ی نیکی‌اش را در دنیا دریافت می‌کند و در آخرت نیز

^{۳۱} صحیح الأدب المفرد ۳۸۱

در برابر هر نیکی، پاداش می‌یابد؛ اما کافر، در دنیا از بهره‌ی نیکی‌هایی که برای الله متعال انجام داده است، برخوردار می‌شود تا پس از انتقال به آخرت نیکی‌ای نداشته باشد که به خاطر آن پاداش بگیرد»

و آنکه پیشتر گفتیم که خوشی و آسایش و فراوانی نعمت‌ها و زینت دنیا، ضرورتاً مستلزم و به معنای رضایت و نفی غضب خداوند نیست؛ منافاتی با این قضیه ندارد که گاهی اوقات نشانه رضایت و محبت خداوند است، و این زمانی است که بنده متقی و شاکر باشد و حق الله را در مال و نفسش ادا کند؛ در این صورت خداوند بعنوان پاداش تقوا و شکرش، عطا و پاداشش را چند برابر می‌کند و فضل و نعمت‌هایش را بر او می‌افزاید. چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید:

{وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ} ۳۲

«هر کس از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خدا راه نجات (از هر تنگنایی) را برای او فراهم می‌سازد. و به او از جایی که تصوّرش نمی‌کند روزی می‌رساند»

{وَإِذ تَأْتِيَنَّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ} ۳۳

«و آن زمان را که پروردگارتان مؤکدانه اعلام کرد که اگر (از نعمت‌های خدادادی) سپاس‌گزاری کردید، هر آینه (نعمت‌های خود را) برایتان افزایش می‌دهم»

{مَنْ ذَا الَّذِي يُقرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَبُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً} ۳۴

«کیست که به خدا قرض نیکوئی دهد تا آن را برای او چندین برابر کند؟»

۳۳ ابراهیم ۷

۳۴ البقرة ۲۴۵

{ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا بِتِغَاءِ وَجهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ }^{۳۵}

« و هر چیز نیک و بایسته‌ای که می‌بخشید برای خودتان است (و سود آن عائد خودتان می‌گردد) و (این وقتی خواهد بود که) جز برای رضایت خدا نبخشید. و هر چیز نیک و بایسته‌ای که (بدین گونه) ببخشید به طور کامل به خود شما بازپس داده می‌شود و (کوچک‌ترین) ستمی به شما نخواهد شد.»

{ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ }^{۳۶}

«ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش (گناهان و لغزش‌هایتان) را بطلبید و به سوی او برگردید تا آسمان را بر شما ریزنده و بارنده کند (و باران و برکات آن را بر شما پیاپی و فراوان گرداند) و نیروئی بر

^{۳۵} البقرة ۲۷۲

^{۳۶} هود ۵۲

نیرویتان بیفزاید. (ای قوم من! از حق و حقیقت) بزهکارانه روی برنتابید»

{ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا . يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا . وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا }^{۳۷}

«و بدیشان گفته‌ام: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است. (اگر چنین کنید) خدا از آسمان باران‌های پر خیر و برکت را پیاپی می‌باراند. و با اعطاء دارائی و فرزندان، شما را کمک می‌کند و یاری می‌دهد، و باغ‌های سرسبز و فراوان بهره شما می‌سازد، و رودبارهای پر آب در اختیارتان می‌گذارد.»

و در حدیثی متفق علیه از پیامبر آمده است که فرمود: « ما من يوم يصبح العباد فيه إلا ملكان ينزلان فيقول أحدهما: اللهم أعط منفقًا خلفًا، ويقول الآخر: اللهم أعط ممسكًا تلفًا »

«هر روز صبح دو فرشته نازل می شوند یکی از آنان می گوید: خداوندا به کسانی که صدقه و احسان انجام میدهند (پادش بده و) جای آنرا برایشان پر کن، و دیگری می گوید: بر کسانی که از صدقه و احسان خودداری می کنند بلا و آفتی که مالشان را از بین ببرد نازل بفرما»

و پیامبر می فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ أَقْوَامًا يَخْتَصِمُ بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ، يَقْرَهُمْ فِيهَا مَا بَدَلُوهَا، فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ فَحَوْلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ»^{۳۸}

«همانا برای خدا افراد و گروه‌های است که آن‌ها را به نعمت‌های خود مخصوص ساخته تا همه بندگان از آن‌ها بهره برند، تا وقتی آن نعمت‌ها را به مستحقانش ببخشند، برایشان باقی می ماند، و چون دریغ کردند خدا از آنها می گیرد و به دیگران تحویل می دهد»

پس فراوانی نعمت در این موضع نشانه‌ی رضایت و محبت است و دلایل برای آن بسیار زیاد است. و چیزی که این حالت و حالت

^{۳۸} ابن أبي الدنيا در قضاء الحاجج، والطبراني في الأوسط، وأبو نعیم در الحلیة آن را آورده است ، السلسلة الصحيحة ۱۶۹۲

قبل را که نشانه‌ی غضب و استدراج بود، از هم جدا می‌سازد، قرائن مربوط به ذات خود انسان است؛ که آیا از کافران انکار کننده فضل و نعمت خداوند است یا از مومنان شاکر خداوند و نعمت‌های بی‌پایانش.

و پیامبر هم چنین می‌فرماید: ^{۳۹}

همانا خداوند همچون رزق و روزی، اخلاق را نیز بین شما تقسیم می‌کند، و همانا خداوند دنیا را به همه کس می‌بخشد چه او را دوست باشد یا نه، اما ایمان را فقط به کسی عطا می‌کند که دوستش داشته باشد.» پس با توجه به این تفصیلات، عطا و بخشش خداوند گاهی نشانه‌ی محبت و گاهی خلاف آن است.

پس سعی مومن کامل‌تر و توفیقش بیشتر است، و آنان می‌گویند:

{ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ } ۴۰

^{۳۹} السلسلة الصحيحة ۲۷۱۴

۴۰ البقرة ۲۰۱

«پروردگارا! در دنیا به ما نیکی رسان و در آخرت نیز به ما نیکی عطاء فرما و ما را از عذاب آتش (دوزخ محفوظ) نگاهدار.»

در حالیکه کافر می‌گوید: **{ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ }** ۴۱

« خداوندا! به ما در دنیا (سعادت و نعمت) عطاء کن. (و لذا) چنین کسانی در آخرت بهره‌ای (از سعادت و نعمت و رضایت الهی) ندارند.»

۴) چنانکه مومن صابر با انواع سختی‌ها مورد ابتلا قرار می‌گیرد، بعضی از کافران به آن سختی‌ها و حتی بیشتر از آن دچار می‌شوند، پس همه‌ی تلخی‌ها برای ما و همه‌ی شیرینی‌ها برای آن‌ها نیست، و این بر هیچ چشم بینایی پوشیده نیست، و فرق بینشان آن است که ؛ مومن بخاطر صبر و بردباریش پاداش می‌گیرد در حالیکه کافر مشرک روز قیامت هیچ اجری ندارد. چنانکه خداوند متعال

می فرماید: {إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا

لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا} ۴۲

«اگر (از جنگ و جراحات) درد می کشید، آنان هم مثل شما درد می کشند و رنج می برند، (ولی فرق شما و ایشان در این است که) شما چیزی از خدا می خواهید که آنان نمی خواهند (و آن رضای الله و بهشت جاویدان است) و خداوند آگاه و حکیم است.»

و سختی و ناخوشی سبب پوشاندن و پاک شدن گناهان مومن و افزایش مقام و درجات او در روز قیامت می شود در حالیکه کافر و مشرک بخاطر انتقام و زجر و عذاب دچار سختی و ناخوشی می شود و این غیر از عذاب شدیدی که در روز قیامت انتظارش را می کشد. و فرق بین اینها بسیار زیاد است.

و وجود مسلمانی مبتلا به سختی و کافری غیر مبتلا در یک زمان و حالت مشخص حقیقتی را که ذکر نمودیم، از بین نمی برد. و در

مقابل گفته می شود که در بسیاری از حالات و زمان ها کافری مبتلا و مسلمانی غیر مبتلا وجود دارد مثل کافری فقیر و مسلمانی ثروتمند؛ این کار خداوند متعال است که هر چه را اراده کند انجام می دهد و از ادب و رضایت و تسلیم به دور است که بنده‌ی در کار خالقش دخالت کند: **{ لَا يُسألُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسألون }**^{۴۳}

«خداوند در برابر کارهایی که می کند، مورد بازخواست قرار نمی گیرد (و بازپرسی نمی شود) ولی دیگران مورد بازخواست و پرسش قرار می گیرند»

در ثانی مسلمان نباید گمان کند که به مجرد انتقال از ایمان به الحاد از سختی ها و بلاهای دنیا رهایی یافته و زندگی پر از خوشی و سعادت پیدا می کند. هرگز! بلکه سختی ها و بلاهایش چند برابر می شود. و شیطان بعد از آنکه او را فریفته و گمراه نمود از او و شرک و الحادش اعلام برائت می کند: **{ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ**

^{۴۳} الأنبياء ۲۳

وَعَدُّكُمْ وَعَدَّ الْحَقِّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{٤٤}

« و اهریمن (سر دسته کفر و ضلال) هنگامی که کار (حساب و کتاب) به پایان رسید (و بهشتیان آماده بهشت و دوزخیان آماده دوزخ شدند، خطاب به پیروان بدبخت خود) می گوید: خداوند (بر زبان پیغمبران) به شما وعده راستینی داد و من به شما وعده دادم (که ثواب و عقاب و بهشت و دوزخی در میان نیست) و با شما خلاف وعده کردم (و دروغ گفتم) و من بر شما تسلطی نداشتم (و کاری نکردم) جز این که شما را دعوت (به گناه و گمراهی) نمودم و شما هم دعوتم را پذیرفتید. پس مرا سرزنش مکنید و بلکه خویشتن را سرزنش بکنید. (امروز) نه من به فریاد شما می رسم و نه شما به فریاد من می رسید. من (امروز) از این که مرا قبلاً (در دنیا برای خدا)

^{٤٤} ابراهیم ۲۲

انباز کرده‌اید، تبری می‌جویم (و آن را انکار می‌کنم). بی‌گمان کافران عذاب دردناکی دارند.»

۵) مومن در دنیا به سبب گناهانش مجازات می‌شود تا روز قیامت پاک از گناه باشد، در حالیکه عذاب بزرگ و شدید کافر برای قیامت باقی می‌ماند، و این از مواردیست که مسلمان را در تفسیر زیبای بلای که دچارش گشته یاری می‌دهد. پیامبر در حدیث صحیحی می‌فرماید: « إذا أراد الله بعبده الخير، عجل له العقوبة في الدنيا، وإذا أراد الله بعبده الشر أمسك عنه بذنبه حتى يوافي به يوم القيامة »^{۴۵}

« زمانی که خداوند برای بنده‌اش خیر بخواهد، عقوبت گناهانش را در دنیا به او می‌چشانند و زمانی که برای بنده‌اش شر بخواهد، گناهانش را بر او نگه می‌دارد تا در روز قیامت سزا داده شود»

^{۴۵} صحیح سنن الترمذی ۱۹۵۳

و می فرماید: « لا يزال البلاء بالمومن و المؤمنة في جسده و اهله و ماله حتى يلقى الله و ما عليه خطيئة»^{۴۶} «مردان و زنان مومن بردوام در جسم و خانواده و مالشان دچار بلا می شوند تا جایی که بدون هیچ گناه و تاوانی خداوند را ملاقات می کنند»

و می فرماید: «ما ابتلى الله عبداً ببلاء وهو على طريقة يكرهها، إلا جعل الله ذلك البلاء كفارة و طهوراً ما لم ينزل ما أصابه من البلاء بغير الله عزَّ و جلَّ أو يدعو غير الله في كشفه»^{۴۷}

«خداوند هیچ بنده‌ای را دچار بلای که از آن بیزار است نمی گرداند، مگر اینکه آن را کفاره و سبب پاکی گناهان قرار می دهد، اگر برای برطرف نمودن آن از غیر خدا کمک نخواهد»

و می فرماید: « ما يزال البلاء بالمومن و المؤمنة في نفسه و ولده و ماله حتى يلقى الله تعالى و ما عليه خطيئة »^{۴۸}

^{۴۶} صحیح الأدب المفرد ۳۸۰

^{۴۷} صحیح الترغیب ۳۴۰۱

^{۴۸} الترمذی و غیره، صحیح الترغیب ۳۴۱۴

«مردان و زنان مومن بردوام درنفس و فرزندان ومالشان دچار بلا می شوند تا جایی که بدون هیچ گناه و تاوانی خداوند را ملاقات می کنند»

و می فرماید: « و ان الرجل لیصیبه البلاء حتی یمشی فی الناس ما علیه خطبته»^{۴۹}

«و همانا شخصی بردوام دچار بلا می شود تا جایی که میان مردم راه می رود در حالیکه گناه و تاوانی بر او باقی نمانده است»

و در روایتی « فما تزال البلیا بالرجل حتی یمشی فی الارض و ما علیه خطبته»^{۵۰}

«و همانا شخصی بردوام دچار بلا می شود تا جایی که روی زمین راه می رود در حالیکه گناه و تاوانی بر او باقی نمانده است»

^{۴۹} صحیح الجامع ۹۹۳

^{۵۰} مسند أحمد؛ أحمد شاکر در التخریج ۵۲/۳ می فرماید: اسنادش صحیح است

و می فرماید: « ما یصیب المسلم من نَصَب، ولا وَصَب ولا هم ولا حزن، ولا أذى، ولا غم، حتی الشوكة یشاکها إلا کفر الله بها من خطایاه»^{۵۱}

«هیچ خستگی و مرضی، غم و اندوه و ناراحتی و اذیتی به مسلمان نمی رسد حتی خاری که به پایش فرو میرود، مگر اینکه خداوند بخاطر آن گناهانش را می آمرزد»

و می فرماید: « ما من مومن یشاک بشوكة فی الدنيا یحتسبها، الا قصّ بها من خطایاه يوم القيامة »^{۵۲}

« هیچ خاری در دنیا به پای مومنی نمی رود، مگر اینکه از گناهان او در روز قیامت می کاهد»

و می فرماید: « ما من شیء یصیب المومن فی جسده یؤذیه، الا کفر الله به عنه من سیئاته»^{۵۳}

^{۵۱} صحیح بخاری

^{۵۲} صحیح الترغیب ۳۴۱۱

^{۵۳} الطبرانی والحاکم، صحیح الترغیب ۳۴۱۲

« مومن گرفتار هیچ مصیبتی در جسمش که او را بیازارد نمی شود، مگر اینکه خداوند به سبب آن از گناهانش در می گذرد»

و می فرماید: «**ما من مصیبة تصيب المسلم الا كفر الله عنه بها حتى الشوكة** ۵۴
یشاکها» ۵۴

«مسلمان دچار هیچ مصیبتی نمی شود مگر اینکه خداوند به سبب آن گناهانش را می آمرزد حتی خاری که به پایش می رود»

و در روایتی نزد امام مسلم: «**الا رفعه الله بها درجة و حطّ عنه بها خطيئة**»
«مگر اینکه به سبب آن درجه او را بالا برده و گناهش را پاک می کند»
و می فرماید: «**اذا اشتكى المومن اخلصه الله من الذنوب كما يخلص الكير**
خبث الحديد» ۵۵

۵۴ متفق علیه

۵۵ الطبرانی وغیره، صحیح الترغیب ۳۴۱۷

« هر گاه مؤمن بیمار شود، خداوند، او را از گناهان پاک می‌سازد
چنانکه دم آهنگری، ناپاکی آهن را از بین می‌برد»

و می‌فرماید: « ما من مومن و لا مؤمنة ، ولا مسلم و لا مسلمة، یرض مرضا
الا قصّ الله به عنه من خطایاه»^{۵۶}

« هیچ زن و مرد مومن و مسلمانی بیمار نمی‌شود مگر آنکه خداوند
به وسیله‌ی آن از گناهانش می‌کاهد.»

و این‌ها از طلب عفو و عافیت در دنیا و آخرت از خداوند، منع
نمی‌کند، زیرا دعا بلا و قدر را دفع و آن را به قدری دیگر تبدیل
می‌کند.

۶) به این مسلمانی که در طرح مسائل و اعتراض و ایجاد شک شتاب
می‌کند، گفته می‌شود: از پاک بودن نفس خود سخن مگو؛ چرا
که هر بلا و مصیبتی که به تو رسیده از جانب نفس خودت و به

^{۵۶} صحیح الأدب المفرد ۳۹۳

سبب گناهان و خطایای خودت است. خداوند می فرماید: **{فَلَا**

تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى}^{۵۷}

« پس از پاک بودن خود سخن مگوئید، زیرا که او پرهیزگاران را (از همه) بهتر می شناسد.»

{ وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ }^{۵۸}

« آنچه از مصائب و بلا به شما می رسد، به خاطر کارهایی است که خود کرده اید. تازه خداوند از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می کند.»

{ أَوَلَمْآ أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِّثْلِيهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ }^{۵۹}

^{۵۷} النجم ۳۲

^{۵۸} شوری ۳۰

^{۵۹} ال عمران ۱۶۵

« آیا (به ناله و افغان افتاده‌اید و بی حال و زبون شده‌اید) هنگامی که مصیبتی (در جنگ احد) به شما دست داده است (و می‌گوئید): این (کشتار و فرار) از کجا است؟! و حال آن که (در جنگ بدر) دو برابر آن، (پیروزی) کسب کرده‌اید (و از طرف کشته و اسیر گرفته‌اید؟!) بگو: این (شکست خوردن و کشته شدن) از ناحیه خودتان (و نتیجه مخالفت با رهنمودهای رسول خدا و پیروی او حرص و آرتان) است.»

و در حدیث آمده است: « لا یصیب عبدا نكبة، فما فوقها او دونها، الا بذنب، وما یعفو الله عنه اکثر»^{۶۰}

« به هیچ بنده ای بلا و مصیبتی، و بالاتر و پایین تر از آن نمی رسد، مگر به خاطر گناهی. البته آنچه خدا از آن در می گذرد، بسیار بیشتر است»

^{۶۰} صحیح الجامع ۷۷۳۲

پس از فقه و ادب آن است که قبل از تزکیه ی نفس و تبرئه آن از خطایا، سبب نزول بلا را بشناسی.

روایت شده که محمد بن سیرین زمانی که بدهکار شده بود و غم و اندوه او را فرا گرفته بود، گفت: « این غم و اندوه به سبب گناهیست که چهل سال پیش مرتکب شده‌ام!»

و بعضی از سلف گفته‌اند: « من معصیت انجام می دهم و اثر آن را در رفتار همسر و چارپایم می بینم» ، پس هر گاه دچار بلا می شدند بدنبال سبب آن بودند تا آن را ترک نموده و توبه کنند.

حسن بصری می فرماید: « اگر سه چیز در بنی آدم نبود، هرگز درمقابل چیزی سر فرود نمی‌آورد (بخاطر تکبر فراوان): مرگ، و بیماری، و فقر»

۷) سنت خداوند در مخلوقاتش بدین صورت است که عطایا و بخشش بعد از محنت، و گشایش بعد از ناخوشی و تنگدستی، و نصرت و باری بعد از صبر، و آسانی بعد از سختی می آید. چه

بسیارند سختی هایی که از آن خشمگین و ناراحتیم در حالیکه سبب برای آسانی و پیروزی و نصرت است. و چه بسیار سختی هایی که امروز از آن خشمگینم اما فردا که برایمان آشکار و روشن شد آن را می ستاییم. و چه بسیارند حالاتی که از یک جهت زیان و از جهت دیگر سود می رساند. و در اثر آمده است: «لو اطلعتم علی الغیب لرضیتم بالواقع»

« اگر از غیب اطلاع می یافتید به واقع و حالتی - که در آن هستید - راضی می شدید» و خداوند متعال می فرماید: **{وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ}**^{۶۱}

« چه بسا چیزی را دوست نمی دارید و آن چیز برای شما نیک باشد، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن چیز برای شما بد باشد، و خدا (مصلحت شما را) می داند و شما نمی دانید»

^{۶۱} البقرة ۲۱۶

{ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا . إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا }^{۶۲}

« چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

مسلمان با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.»

و در حدیثی مرسل آمده است: «لن يغلب عسر يسرين»

«هرگز یک سختی بر دو آسانی غلبه نخواهد کرد»

عمر بن خطاب در نامه ی برای ابو عبیده بن الجراح نوشت: «هر

اندازه سختی و ناخوشی بر شخص نازل شود خداوند سرانجام برای

او گشایش و آسانی قرار می دهد، و هرگز یک سختی بر دو آسانی

غلبه نخواهد کرد»

و پیامبر می فرماید: «واعلم انّ فی الصبر علی ما تکره خیرا کثیرا، و انّ

النصر مع الصبر، و انّ الفرج مع الكرب و انّ مع العسر يسرا»^{۶۳}

^{۶۲} الشرح ۵-۶

^{۶۳} مسند أحمد؛ أحمد شاکر آن را در التخریج تصحیح نموده است

«و بدانید که در صبر بر سختی و ناخوشی، خیر فراوانی است، و نصرت و پیروزی همراه با صبر، و گشایش همراه با مشکلات و و آسانی همراه با سختی است.»

۸) به مومن نعمتی بزرگتر از همه نعمت ها عطا شده که آن نعمت ایمان به خدا و لذت نزدیکی و مناجات با اوست که به صاحبش اطمینان، آرامش، و راحتی قلبی و نفسی می بخشد و فقط مومن - فقیر یا ثروتمند- این نعمت را می چشد. و این نعمت آن چیزی است که کافر و ملحد آن را درک نمی کند و هیچ چیزی از دنیا هر چند فراوان جتی آن را نمی گیرد.

ای کسی که از بلا و سختی زیر پرچم ایمان ناراضی و خشمگین هستی، و به سوی کفر و الحاد می گریزی؛ تو با این کار از امنیت و اطمینان و هدایت و راحتی و آرامش و انس و الفت و فراخی سینه می گریزی؛ به سوی ترس و نگرانی و اندوه و تباهی می روی. و چه بلای از این شدید تر و بدتر است؛ و چه خیر و نفعی در الحاد

می تواند جایگزین این خیر بزرگی شود که از دست داده ای. و در حال بسیاری از کافران و ملحدان مشهور و ثروتمند تامل نمودیم؛ دیدیم که زندگی آن ها بر داروها و آرام بخش ها استوار است تا کمی از اندوه و نگرانی و اضطراب نفسی که از آن رنج می برند، بکاهد. راست گفت خداوند متعال: **{وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى}**^{۶۴}

« و هر که از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتاب های آسمانی دوری گزیند)، زندگی تنگ (و سخت و گرفته ای) خواهد داشت؛ (چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد، و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت) و روز رستاخیز او را نابینا (به عرصه قیامت گسیل و با دیگران در آنجا) گرد می آوریم.»

^{۶۴} طه ۱۲۴

{فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ. لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَمَّا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ}{^{٦٥}

« آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را (با پرتو نور ایمان باز و) گشاده برای (پذیرش) اسلام می‌سازد، و آن کس را که خدا بخواهد گمراه و سرگشته کند، سینه‌اش را به گونه‌ای تنگ می‌سازد که گوئی به‌سوی آسمان صعود می‌کند. بدین منوال خداوند عذاب را بهره‌کسانی می‌سازد که ایمان نمی‌آورند.»

{الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ}{^{٦٦}

« آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان! دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرند»

^{٦٥} الأعمام ١٢٥

^{٦٦} الرعد ٢٨

خداوندا! جوانان مسلمان را هدایت فرما و آنان را سبب هدایت
دیگران قرار ده، و آنان از هر شر و بدی حفظ فرما. خداوندا!
مشکلات و سختی ها را برطرف و غم و اندوه را زائل فرما و بلا و
مصیبت را از مسلمانان مخصوصا اهل شام برطرف ساز و دور کن.
همان تو اجابت کننده دعاها و شنوا و نزدیک هستی. و صلی الله
علی سیدنا و نبینا محمد و علی آلہ و صحبه و سلم